

خبر

در مخالفت با سیاست‌های ترامپ تصویب شد

قطع‌نامه حمایت از راهکار «دوکشوری»

● مجلس نمایندگان آمریکا جمعه‌شب در اقدامی متناقض با سیاست‌های دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، در قبال مسئله فلسطین، قطع‌نامه‌ای را در حمایت از راهکار «دو کشوری» تصویب کرد. به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه اسکای‌نیوز، مجلس نمایندگان آمریکا با قطع‌نامه غیرالزام‌آور درباره پرونده فلسطین موافقت کرد که تاکید دارد راهکار «دو کشوری» به تنهایی ضامن بقای اسرائیل به عنوان یک «کشور پهود» است و خواسته‌های مشروع فلسطینی‌ها برای تشکیل کشورشان را برآورده می‌کند. از زمانی که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شده، رهبران فلسطینی سیاست‌های ترامپ را که خلاف سیاست‌های دولت‌های قبلی است، محکوم می‌کنند. آمریکا همچنین «حاکمیت» اسرائیل بر جولان اشغالی را به رسمیت شناخت و شهرک‌های این رژیم در اراضی فلسطین را «قانونی» دانست. رشیده طلبی اعلام کرد که با تشکیل دو دولت جداگانه مخالف است، بلکه ترجیح می‌دهد دولتی تشکیل شود که اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها در آن حقوق مساوی داشته باشند. کاخ سفید و دولت اسرائیل هنوز واکنشی به این قطع‌نامه نداشته‌اند. تشکیلات خودگردان فلسطین نیز در بیانیه‌ای اعلام کرد: این قطع‌نامه پاسخی به سیاست‌های اشتباه آمریکاست. این قطع‌نامه این پیام را می‌رساند که صلح فقط از طریق تشکیل کشور مستقل فلسطین به پایبختی قدس شرقی ممکن است.

تأیید مذاکره با عربستان از سوی قطر

● وزیر خارجه قطر برای نخستین بار تأیید کرد مذاکراتی با کشورهای حاشیه خلیج فارس و عربستان برای حل مشکلات صورت گرفته است. به گزارش دویچه‌وله، محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی، وزیر خارجه قطر، روز جمعه رسماً تأیید کرد مذاکراتی با کشورهای حاشیه خلیج فارس به‌ویژه عربستان سعودی برای رفع مشکلات دو کشور انجام شده است. این دیپلمات ارشد قطری درباره این مذاکرات گفت: «ما از این بن‌بست به‌قدری فاصله گرفته‌ایم که حتی ممکن است مذاکرات مستقیم بین کشورهای ما به‌ویژه با عربستان سعودی صورت گیرد». عربستان، امارات متحده عربی، بحرین و مصر در سال ۲۰۱۷ میلادی قطر را به پشتیبانی و تأمین مالی تروریسم متهم و تحریم‌های سیاسی و اقتصادی علیه این کشور اعمال کردند. اظهارات وزیر خارجه قطر درباره مذاکره با عربستان در آستانه نشست سران کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بیان شده است. ملک‌سلمان، پادشاه عربستان، رسماً از امیر قطر برای شرکت در این نشست دعوت کرده است. وزیر خارجه قطر گفت آنچه در سال ۲۰۱۷ اتفاق افتاد، میان کشورهای منطقه شکاف ایجاد کرد و محاصره قطر باعث تضعیف امنیت منطقه شد؛ در حالی که کشورش همیشه خواهان ثبات پایدار منطقه و وحدت میان اعضای شورای همکاری خلیج فارس بوده است.

۴ کشته در تیراندازی دانشجوی سعودی در پایگاه آمریکا

ابراز همدردی عربستان با قربانیان

● پس از آنکه مشخص شد عامل تیراندازی در پایگاه هوایی فلوریدا یک دانشجوی سعودی اعزامی از سوی دولت این کشور بوده است، مقامات ریاض با ارسال پیام‌های متعدد واکنش‌های مختلف و جنایت‌خواندن این اقدام تلاش می‌کنند با دلجویی از آمریکا، خود را از این حادثه مبرا کنند. خالد بن‌سلمان، معاون وزیر دفاع عربستان، در تویییت با ابراز تسلیت به خانواده قربانیان بر همراهی کشور خود با آمریکا در روزهای سخت تأکید کرد و نوشت: من هم مانند بسیاری از نظامیان سعودی در پایگاه نظامی آمریکا آموزش دیده‌ام و از این آموزش‌های ارزشمند برای مبارزه با تروریسم و دیگر تهدیدها بهره می‌بریم. «ریمّا بنت بندر»، سفیر عربستان در ایالات متحده، نیز با اعلام همبستگی با خانواده قربانیان، به ملت آمریکا تسلیت گفت و در صفحه توییتری خود نوشت: ملت عربستان همگی این جنایت را محکوم می‌کنند و ما در این شرایط سخت با دوستان آمریکایی خود همراه و همبسته هستیم. وزارت خارجه عربستان نیز با صدور بیانیه‌ای با ابراز تأسف از این تیراندازی به خانواده قربانیان تسلیت گفت و تأکید کرد مرتکب این جنایت شنيع، به هیچ عنوان نماینده ملت عربستان نیست. پادشاه عربستان نیز در تماسی تلفنی از رئیس‌جمهوری آمریکا دلجویی کرد.

پایگاه هوایی نیروی دریایی آمریکا در ایالت فلوریدا روز جمعه شاهد چندین تیراندازی بود و منابع رسانه‌ای از کشته‌شدن چهار نفر از جمله عامل این تیراندازی خبر دادند. یک مقام آمریکایی گفت عامل تیراندازی یک دانشجوی علوم هوایی اهل عربستان سعودی بوده و احتمال ترویرستی‌بودن این حادثه در حال بررسی است. این دومین تیراندازی در پایگاه‌های نظامی آمریکا در این هفته بوده است. دو روز پیش نیز رسانه‌های آمریکا اعلام کردند تیراندازی در پایگاه هوایی و دریایی «پرل هاربور» در جزایر هاوایی، سه کشته و یک زخمی بر جای گذاشت.

سالی پرآشوب و بی‌نظم به روزهای پایانی خود نزدیک می‌شود و زمان مناسبی است تا نگاهی به تحولات سال رو به پایان ۲۰۱۹ بیندازیم. ابرت کاپلان بدون تردید یکی از نویسندگان و متفکران پیش‌رو در حوزه‌های سیاست خارجی، دفاعی و ژئوپلیتیک به شمار می‌آید و می‌تواند تصویری جامع از تحولات ۱۲ ماه گذشته در نقاط مختلف جهان، ارائه دهد. این نویسنده آمریکایی ۱۸ کتاب در حوزه‌های تخصصی خود نوشته که در میان شاخص‌ترین آنها می‌توان به «انتقام جغرافیا» و «بی‌نظمی پیش‌رو» اشاره کرد. کاپلان ۶۷ساله در سال‌های اخیر تحولات کلیدی و مهمی را در بیش از صد کشور جهان از نزدیک شاهد بوده و مشاوره‌هایی نیز به پادشاهان، نخست‌وزیران و وزرای دفاع کشورهای مختلف داده است.

ما در نشریه آنلاین بریتانیایی CapX گفت‌وگویی با کاپلان درباره تحولات مهم سال ۲۰۱۹ از جمله تبعات محاسبات اشتباه دونالد ترامپ در قبال آسیا، گسترش ماجراجویی‌های چین و مداخله‌های روسیه در اروپای پس از برگزیت انجام داده‌ایم:

۴ موضوعی که در سال‌های اخیر بارها در رسانه‌ها مطرح شده، فزار مغزها در حوزه سیاست‌گذاری ایالات متحده است. تا چه اندازه این گرانی و فقدان تجربه عملی در حوزه سیاست خارجی را درست می‌دانید؟

بله این روند در سال‌های اخیر به‌تدریج رخ داده است. در دهه ۸۰ میلادی زمانی که جورج شولتز به‌عنوان وزیر خارجه، یکی از تأثیرگذارترین افراد در شکل‌دادن به سیاست خارجی دولت رونالد ریگان بود، تخصصی در هر منطقه حرف اول را می‌زد و استدلال‌های ایدئولوژیک خریداری نداشت. در آن شرایط گزارش‌هایی که از سفارتخانه‌ها در کشورهای مختلف ارسال می‌شد، ارزش و اهمیت زیادی داشت، چراکه از سوی متخصصان هر منطقه تهیه و تنظیم شده بود. سفرای ایالات متحده نیز اختیارات و قدرت بالایی داشتند؛ اما با گذشت زمان همه‌چیز به شیوه‌ای دراماتیک تغییر کرد. مهم‌ترین عامل در بروز این تغییرات را باید انقلاب تکنولوژی دانست. پیشرفت تکنولوژی باعث شد دیگر دیپلمات‌ها و کارکنان حوزه سیاست خارجی کم‌تر نیازمند خروج از اتاق کارشان باشند تا تحولات را از نزدیک مشاهده و تحلیل کنند.

۴ تحولات پس از پایان جنگ سرد را هم نمی‌توان نادیده گرفت.

این موضوع هم بی‌تأثیر نیست. آنچه در دوران جنگ سرد رقم خورد، رقابت همه‌جانبه ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی در تمام نقاط جهان بود. اساس رقابت مسکو و واشنگتن این بود که ثابت کنند کدام سیستم حکومت‌داری موفق‌تر و کارآمدتر است؛ دموکراسی سرمایه‌داری یا کمونیسم؟ در چنین رقابتی وزارت خارجه آمریکا هم تمام تلاش خود را می‌کرد تا در این رقابت کمک‌های بیشتری به متحدان واشنگتن اختصاص دهد. به این ترتیب می‌توان گفت جنگ سرد باعث شد ایالات متحده

ذهنیتی بین‌المللی داشته باشد و با پایان جنگ سرد هم رهبران واشنگتن به این نتیجه رسیدند که نیازی به ادامه این ذهنیت نیست. دیگر دلیلی وجود نداشت که برنامه‌های کمکی ایالات متحده در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین با برچسب امنیت ملی اعطا شوند.

۴ در سال‌های اخیر چین در حال قدرت‌گرفتن است و به نظر می‌رسد رهبران کاخ سفید چندان توجهی به این موضوع ندارند.

ممکن است به مرور زمان این شرایط تغییر کند، چراکه هنوز در ابتدای راه هستیم و ایالات متحده و چین به‌تازگی رقابت خود را آغاز کرده‌اند. دوباره در آستانه بروز این رقابت دوقطبی دنیا یی‌تواند منجر به از این قطب‌ها باز هم می‌تواند روسیه باشد، اما چین و ایالات متحده این رقابت دوقطبی را شکل خواهند داد و مشابه دوران جنگ سرد، ایالات متحده نقش بربرگ‌تری در تحولات جهان ایفا خواهد کرد.

۴ در این جهان دوقطبی اتحادیه اروپا چه موقعیتی خواهد داشت؟

با اینکه رقابت اصلی میان ایالات متحده و روسیه خواهد بود، اما رقابتی هم میان آمریکا و روسیه شک می‌گیرد. روسیه انگیزه‌های زیادی برای رقابت با آمریکا دارد و رقیبی تهاجمی‌تر و ناامن‌تر است اما چین مانند تاجران ی دغل‌باز عمل می‌کند؛ اما درحال‌حاضر روسیه بسیار ضعیف‌تر از چین است؛ اقتصادی آسیب‌پذیر با نهادهایی بسیار ضعیف. این ترتیب روسیه صرفاً یک رقیب برای واشنگتن محسوب می‌شود و اروپای مرکزی و شرقی که حوزه نفوذ مسکو محسوب می‌شود هم می‌تواند میدان جنگ ایالات متحده و روسیه باشد. چین هم در حال گسترش نفوذ خود در میان کشورهای حوزه مدیترانه از یونان تا پرتغال است.

۴ با توجه به اینکه ترامپ ظاهراً انگیزه زیادی

جهان



Gettyimages

رابرت کاپلان از تشکیل دوقطبی میان آمریکا و چین می‌گوید

بر آستان نظم نوین جهانی

برای رقابت با چین دارد آبا استراتژی او برای

رقابت با چین نتیجه‌بخش خواهد بود؟

به نظر ترامپ در هیچ موردی استراتژی توسعه‌یافته‌ای ندارد. رئیس‌جمهور فعلی آمریکا فردی است که انگیزه‌های شخصی برایش اولویت بسیاری دارد و اهل رویکردهای سازمان‌یافته و منظم نیست. با وجود اینکه ترامپ استراتژی سازمان‌یافته‌ای ندارد و حتی به مشاورانش هم توجه نمی‌کند، اما انگیزه‌های زیادی دارد و این انگیزه‌ها می‌توانند منجر به اقداماتی شود که ممکن است برای آمریکا اثر مثبت یا منفی داشته باشد. او فردی است که می‌خواهد بزرگی و افتخار ایالات متحده را رقم بزند اما حاضر نیست برای این بزرگی و اقتدار، رویکرد یا رفتار قابل توجهی از خود بروز دهد. هر اندازه انگیزه‌های ترامپ تهاجمی و رو به جلو باشد، او در نهایت از تقابل و جنگ اجتناب می‌کند.

۴ رویکرد ترامپ در قبال کره‌شمالی را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ او بارها از توافق با کره‌شمالی خبر داده اما در

عمل هیچ تحول مثبتی رخ نداده است. در مورد اوضاع میان ایران و دولت ترامپ شرایط چگونه است؟ ترامپ در تقابل با ایران تا کجا پیش می‌رود؟

ترامپ فردی است که علاقه ندارد نقاط ضعف خود را بروز دهد. او معمولاً خود را مشتاق توافقی نشان نمی‌دهد و به گونه‌ای رفتار می‌کند که توافقی با عدم توافق برای او تفاوتی ندارد. اگر شما خود را مشتاق توافق نشان دهید، این امر می‌تواند در برابر برخی رقباً نقطه ضعف باشد و آنها برای امتیازگرفتن فشار بیاورند. جان کری و باراک اوباما علناً خود را مشتاق توافق با ایران نشان می‌دادند و ترامپ نمی‌خواهد این روند را تکرار کند.

در مورد ایالات متحده و ایران هم تحول زیادی ممکن است رخ دهد. قبل از هر چیز باید این نکته

را در نظر گرفت که در حال حاضر احتمال تقابل نظامی آمریکا با روسیه بیش از تقابل با چین است. چراکه دولت پوتین رویکردی تهاجمی و مخاطره‌برانگیز دارد. اما احتمال رویارویی نظامی آمریکا با ایران حتی از احتمال جنگ با روسیه هم بیشتر است. شما می‌توانید گفت‌وگوهای ژئوپلیتیک جالبی با شی جینپینگ یا ولادیمیر پوتین داشته باشید. اما این در مورد ایران صدق نمی‌کند. شما با حکومتی متفادات با چین و روسیه سروکار دارید.

این یکی از عوامل است. عامل دیگر این است که هیچ کدام از طرفین خواهان جنگ نیست. آنچه دو طرف می‌خواهند رقم‌زدن شکل جدیدی از تقابل و رویارویی است. ایران در حال حاضر در موقعیتی دشوار و محدودکننده قرار دارد. ترامپ از توافق هسته‌ای خارج شده و این به ایرانی‌ها آموخت که ایالات متحده بیش از گذشته غیرقابل اعتماد است. اما ایران همچنان گزینه‌هایی پیش‌روی خود دارد. به‌هود وضعیت اجتماعی داخلی می‌تواند تا حدی از فشارهای خارجی بکاهد. از سوی دیگر ایران با اقداماتی در مقیاس محدود نشان داد که وضعیت ژئوپلیتیک تنگه هرمز می‌تواند شکستنده شود. این اقدامات هم تأثیر چندانی در قیمت نفت یا افزایش رقم بیمه نفت‌کش‌ها نداشت. ایالات متحده هم با وجود حضور در خلیج فارس هیچ اقدامی انجام نداد تا شرایط وخیم‌تر نشود. این نشان می‌دهد که ایالات متحده و ایران تمایلی به رویارویی ندارند.

۴ جدا از موقعیت احتمالی قدرت‌های بزرگ در آینده، در مورد قدرت‌های متوسط مانند بریتانیا چه چشم‌اندازی متصور هستید؟

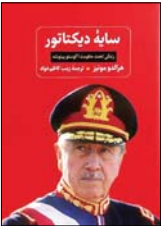
قدرت‌های متوسط هم شرایط جالبی در آینده خواهند داشت. بریتانیا در نهایت از اتحادیه اروپا خارج خواهد شد و این خروج قدرت بیشتری برای آلمان در اروپا ایجاد خواهد کرد و برای ایتالیا، اسپانیا و یونان هم چالش‌هایی خواهد آفرید. در این میان فرانسه هم با توجه به عدم اجرای سیاست‌های اصلاحی اقتصادی، در آینده با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد. به این ترتیب شرایط برای افزایش قدرت و نفوذ آلمان بیشتر می‌شود و در واقع اروپا در اختیار آلمان قرار می‌گیرد. اما این تغییر و تحول زمانی صورت می‌گیرد که نسل جدیدی از رهبران ایران و در آلمان بر سر کار می‌آیند که نشانی از خرد و حکمت کهل‌ها، اشمیت‌ها، آدانرها و حتی مرکل‌ها در آنها یافت نمی‌شود. نسل گذشته رهبران سیاسی آلمان درس‌ها و تجربیات زیادی از جنگ‌های جهانی و دوران جنگ سرد با خود داشتند. به نظر من این شرایط به سود بریتانیایی خواهد بود که در حال خروج از اتحادیه اروپا است.

سرزمین کمتر متحد و بی‌نظم اروپا به میدان رقابت روسیه و چین تبدیل خواهد شد. در این مسیر هم بعید نیست آلمان به عنوان رهبر اروپا بیش از پیش به سوی روسیه متمایل شود. چراکه هم روسیه بخش مهمی از انرژی مورد نیاز آلمان را تأمین می‌کند و هم اتحاد آلمان با روسیه هزینه کمتری برای برلین دارد.

معرفی کتاب

میراث پینوشه از نگاه دیپلمات شیلیایی

سیاه و سفید ژنرال



● نزدیک به ۲۰ سال از پایان دیکتاتوری آگوستو پینوشه در شیلی و ۱۳ سال از مرگ او می‌گذرد. اما با وجود روی‌کارآمدن چند دولت غیرنظامی در شیلی هنوز هم پرونده اقدامات پینوشه در شیلی و تأثیر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حکومت او بر این کشور آمریکای لاتین یکی از مهم‌ترین مباحث در محافل مختلف این کشور است. وقتی آگوستو پینوشه در سال ۲۰۰۶ درگذشت، شش‌گانه اجتماعی در ارزیابی کودتای ۱۹۷۳ و حکومت او بیش از هر زمان دیگری خود را به نمایش گذاشت. در حالی که بخشی از مردم از این رویداد شادمان و سرخوش بودند، بخشی دیگر در برابر بیستارن نظامی شیلی که جسد پینوشه در آن بود، گریه و زاری می‌کردند. بر اساس نظرسنجی‌ها، نزدیک به سه‌چهارم جامعه شیلی نیز معتقد است پینوشه و دوران او همچنان بر گستره سیاست شیلی تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد. به عبارتی هنوز هم گذشته دیکتاتوری شیلی مسئله‌ای مهم در ساحت‌های مختلف جامعه این کشور است. بررسی حقوقی، روشنگرانه و غیرانتقام‌جویانه گذشته استبدادزده هر کشور در دوران معاصر، اعاده حیثیت از قربانیان و توجه و مرهم‌داشتن بر زخم و رنج قربانیان و بستگان آنها به عنوان محملی مهم در راه ارتقای فرهنگ دموکراتیک جامعه تلقی می‌شود.

اما در شیلی این اقدام همچنان نیمه‌کاره مانده است و برای مثال، در مقایسه با سایر کشورهای آمریکای لاتین از جمله آرژانتین، با کشایش‌ها و موفقیت چندانی همراه نبوده که به عوامل متفاوتی مربوط می‌شود. واقعیت این است که روند گذار به دموکراسی در شیلی پس از ۱۷ سال حکومت کودتا، دیرتر از همه کشورهای همسایه و بعد از روندی دشوار از چانه‌زنی میان جامعه مدنی و مخالفان با حکومت شروع شد. در فرانکومی که سال ۱۹۸۸ برای انتقال قدرت به یک دولت غیرنظامی برگزار شد، هواداران ادامه زمامداری پینوشه گرچه شکست خوردند ولی بیش از ۴۰ درصد آرا را به دست آوردند. این در حالی بود که ارتش هم برای مثال، برخلاف آرژانتین که بر اثر جنگ Falkland تضعیف شده بود، همچنان اقتدار بالایی داشت و محافل سیاسی نزدیک به دولت نظامی توانستند به‌سرعت خود را با قالب احزاب سیاسی سازماندهی کنند و در روندهای سیاسی پس از کناررفتن پینوشه مشارکت داشته باشند. در گزارشی که یک کمیسیون دولتی در شیلی در سال ۲۰۱۱ ارائه کرد، رقم برآیناتی که در حکومت پینوشه به حبس رفته و شکنجه شده‌اند، به ۴۰ هزار نفر می‌رسد که از این تعداد کمی بیش از سه هزار نفر جان باخته‌اند. نقش رسانه‌های شیلی هم در نیمه‌کاره‌ماندن بررسی و تحلیل حقوقی و روشنگرانه روندها و رویکردهای دوران پینوشه کم‌اهمیت نیست. تقریباً اکثر رسانه‌های عمده شیلی برآمده از دوران کودتا هستند و زمانی از رژیم نظامی پینوشه حمایت کرده‌اند. پس از آن هم اغلب این رسانه‌ها فقط به گزارش مختصر محاکماتی پرداختند که جنایت‌های دوره پینوشه را بررسی می‌کردند. لفظ دیکتاتور یا رژیم نظامی هم در این رسانه‌ها کمتر به کار گرفته می‌شود و بیشتر از پینوشه به عنوان «رئیس‌جمهور سابق» یا «ژنرال سابق» یاد می‌شود. واقعیت این است که در شیلی نیز مانند برخی دیگر از کشورهای جهان پس از گذار از دولت نظامی یا دیکتاتوری به دولت غیرنظامی برای بررسی و کنکاش درباره جنایات و نقض حقوق بشر در دوران دیکتاتوری کمیسیون حقیقت‌یاب تشکیل شده، روزهای یادبود و بزرگداشت قربانیان تعیین شده و جلسات محاکمه نیز علیه عاملان و مشارکت‌کنندگان در سرکوب و قتل و شکنجه شهروندان به جریان افتاده است. اما مشکل اساسی آنجاست که گذار به دولت غیرنظامی به دنبال توافقی شکل گرفت که بسیاری از امتیازهای نظامیان و امنیتی‌ها و نخبگان سیاسی دوران پینوشه در آن همچنان حفظ شده است. این نخبگان که در حال حاضر در احزاب محافظه‌کار هستند، همچنان با استناد به قانون اساسی که با تأثیرگذاری ارتش تصویب شده و نیز به پشتوانه حمایت از سوی بخشی از جامعه، کشایش روشنگرانه پرونده دوران کودتا را با مانع و پیگیری‌نشدن مواجه می‌کند. در این میان در سال‌های اخیر کتاب‌های متعددی درباره دوران حکومت ۱۷ساله ژنرال پینوشه منتشر شده که یکی از شاخص‌ترین آنها کتابی است به قلم هرالالدو مونیز، دیپلمات سرشناس شیلیایی که به‌تازگی از سوی نشر ثالث منتشر شده است. مونیز از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۸ وزیر خارجه دولت سفیر داشت بود و پیش از آن هم به مدت هفت سال سفیر دالم شیلی در سازمان ملل بود. این دیپلمات ۷۱ساله هدف از گزارش این کتاب را واکاوی تأثیر حکومت پینوشه بر تاریخ معاصر شیلی عنوان کرده، نه زندگی‌نامه رهبر سابق این کشور. مونیز در بخشی از پیشگفتار این کتاب می‌نویسد: «این کتاب خاطرات سیاسی من از پینوشه و دوره اوست. به خاطر او زندگی بسیاری از ما عوض شد و برنامه‌های اولیه‌مان تابع اولویت مبارزه با دیکتاتوری قرار گرفت. علاوه بر تجربیات خودم، از مصاحبه‌های فراوان با چهره‌های کلیدی، اسناد محرمانه و پوشش‌های رسانه‌ای وسیعی از دوره پینوشه برای روایت رویدادها و جزئیات بسیار از حوادثی که امروز برای عامه مردم ناشناخته است، استفاده کرده‌ام.»